

عدم توسل به زور در حقوق هوایی (مطالعه حادثه پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر)

مهسا زیارت‌طلب^۱، بهشید ارفع‌نیا^۲

چکیده

اهمیت صنعت هوانوردی می‌تواند دستمایه‌ای برای سوءاستفاده از دولت‌ها شود که از طریق توسل به زور علیه هواپیماهای کشوری آنها صورت می‌گیرد. اصل عدم توسل به زور در حقوق هوایی، در منابع داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، می‌توان به قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و ماده (۳) مکرر کنوانسیون شیکاگو اشاره کرد. در منابع مزبور توسل به زور یا استفاده از سلاح علیه هواپیماهای غیرنظامی، جرم‌انگاری و منع شده است. پرواز مسافری ۶۵۵ ایران ایر در سال ۱۳۶۷، مورد اصابت دو فروند موشک ناو آمریکایی قرار گرفت. پس از این سانحه، موضع حقوقی آمریکا دفاع مشروع بعنوان یک حق ذاتی بود. طبق مفاد منابع مزبور، حمله آمریکا به هواپیمای مسافری در حریم هوایی اعلام شده در ایران، نقض قاعده حقوقی عدم توسل به زور بوده است. همچنین طبق ماده (۵۱) منشور سازمان ملل، به علت عدم وقوع حمله مسلحانه از سوی هواپیمای ایرانی، ادعای دولت آمریکا مبنی بر دفاع مشروع، فرار از مسئولیت بین‌المللی و فاقد هرگونه وجهت حقوقی و بین‌المللی است. بدین‌وجه بررسی اصل عدم توسل به زور در حقوق هوایی و عوامل ناقض آن در منابع داخلی و بین‌المللی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ چراکه تکرار اعمال مخل امنیت هواپیمایی در قالب توسل به زور، خسارات هنگفتی برای سازمان هواپیمایی کشوری، مسافران، کالا و بار آنها در پی دارد و این می‌تواند نقض آشکار حقوق بین‌الملل هوایی و قواعد اساسی تضمین امنیت هواپیمایی کشوری باشد. در این مقاله داده‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با استفاده از مطالعه موردی تحلیل شده‌اند.

واژگان کلیدی: امنیت، دفاع مشروع، عدم توسل به زور، سازمان ملل متحد، هواپیمایی کشوری

^۱ دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی mahsaziarattalab@gmail.com

^۲ دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

مقدمه

مطابق اصل «حق توسل به زور»، توسل به زور یا تهدید به توسل به زور توسط کشورها، جزء در مقام دفاع مشروع ممنوع است. این اصل، ضمن ممنوع کردن مداخله در امور داخلی سایر کشورها، اصلی لازم برای محافظت از حق حاکمیت ملی هر کشوری است. اصلی که توسط همه ملل جهان، پذیرفته شده و پس از تدوین منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، مبانی تدوین و تصویب قوانین بین‌المللی بوده است؛ لذا وقتی اعمال زور توسط دولتی در چارچوب مرزهای ملی و بدون نقض حاکمیت ملی صورت می‌گیرد، بررسی ابعاد این اقدام، در چارچوب حقوق بشر و قوانین درگیری‌های مسلحانه قرار می‌گیرد. حقوق بین‌الملل نیز به موجب ماده (۵۱) منشور سازمان ملل، به یک کشور اجازه داد هنگام وقوع حمله از خود در برابر حمله مسلحانه‌ای که علیه خاک و مردم‌اش به وقوع پیوسته، دفاع کند. دفاع مشروع و عدم توسل به زور در منابع داخلی و بین‌المللی حقوق هوایی چون: ماده (۳) مکرر کنوانسیون هواپیمایی کشوری، ماده (۱۱) کنوانسیون توکیو در مورد جرائم ارتكابی در هواپیما، ماده واحده قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و ماده (۵۱) منشور ملل متحد مرد اشاره قرار گرفته‌اند. براساس این منابع، دولت‌ها متعهد گردیدند، از بکارگیری اسلحه علیه هواپیمای کشوری، خودداری کرده، زندگی افراد داخل هواپیما و امنیت آن را هنگام رهگیری، در معرض خطر قرار ندهند. مطابق این ماده، هر کشوری، برای اعمال حق حاکمیت خود، حق دارد از هواپیمای کشوری که بدون مجوز در فضای هوایی او پرواز می‌کند، بخواهد تا در فرودگاه معینی فرود آید. در مبحث اول از این مقاله، به بررسی مساله عدم توسل به زور علیه هواپیماها در منابع حقوق هوایی به ویژه ماده (۳) مکرر کنوانسیون شیکاگو و در مبحث دوم به شرح مشروعیت توسل به زور در قالب دفاع مشروع پرداخته و در نهایت، قواعد حقوقی بین‌المللی نقض شده از طریق توسل به زور در پرونده پرواز ۶۵۵ ایران ایر، مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

۱- اصل عدم توسل به زور در منابع حقوق هوایی

ممنوعیت استفاده از زور علیه هواپیماهای غیرنظامی برای جلوگیری از عواقب ناشی از نقض فاحش حقوق بشر مانند از دست دادن جان، صدمات جسمی یا هرگونه آسیب دیگر به بشریت است و با قوانین بین‌المللی مرسوم و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ارتباطی نزدیک دارد. اصل عدم استفاده از زور علیه هواپیماهای غیرنظامی برای اطمینان از ایمنی افراد غیرنظامی از آسیب است و از سال ۱۹۹۸ که مجمع ایکائو آن را بطور رسمی تصویب کرد، بطور مداوم تکامل یافته است. براساس این اصل، دولت مسئولیت محافظت از هواپیماهای

کشوری در برابر هرگونه تهدید یا سرنگونی را برعهده دارد. با این حال، این مسئولیت نه تنها مربوط به هواپیماهای کشوری سرزمین خاصی است که در حال پرواز هستند بلکه بطور کلی مربوط به جامعه بین‌المللی است. منع استفاده از زور را نباید با انکار حاکمیت اشتباه گرفت یا برابر دانست. با این حال، اشکال دیگر اقدامات مانند سرنگونی عمدی هواپیمای غیرنظامی توسط نیروهای نظامی و حتی اقدامات مخالف افراد یا گروه‌های شورشی، می‌تواند یک روش ضروری برای منطقی‌سازی محدودیت‌ها باشد. با افزایش تعداد درگیری‌های مسلحانه در سراسر جهان، همراه با سرنگونی عمدی رژیم‌های سیاسی ظالمانه، تهدیدات هواپیمایی کشوری فوق‌العاده زیاد است (Lomes, 2020: 9). در منابع داخلی و بین‌المللی حقوق هوایی، عدم توسل به زور بعنوان یک اصل، مورد توجه و تشریح قرار گرفته است.

ماده (۳) مکرر کنوانسیون شیکاگو (۱۹۹۸)، اینگونه بیان می‌دارد که: «کشورها باید از توسل به زور علیه هواپیماهای غیرنظامی در حال پرواز خودداری کنند». منشور سازمان ملل متحد، کنوانسیون‌های توکیو و مونترال و قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما به صراحت کشورها را از اعمال زور و انهدام هواپیماهای غیرنظامی در حال پرواز منع می‌کنند. براساس مفاد این منابع، دولت‌ها متعهد گردیدند از بکارگیری اسلحه علیه هواپیمای کشوری خودداری کرده و زندگی افراد داخل هواپیما و امنیت آن را در معرض خطر قرار ندهند.

۱-۱- عدم توسل به زور در ماده (۳) مکرر کنوانسیون شیکاگو

به دنبال سانحه هوایی کره‌ای در اول سپتامبر ۱۹۸۳، زمانی که یک فروند هواپیمایی بویینگ-۷۴۷ شرکت هواپیمایی کره، به وسیله هواپیماهای جنگنده شوروی نابود شد و در نتیجه ۲۶۹ انسان کشته شدند، مجمع عمومی ایکائو، در ۱۹ می ۱۹۸۴، تصمیم به اصلاح معاهده با درج ماده (۳) مکرر گرفت. براساس این معاهده؛ «دولت‌های متعاقد تصدیق می‌کنند که همه دولت‌ها باید از توسل به استفاده از اسلحه علیه هواپیماهای غیرنظامی در حال پرواز خودداری کنند و در مواردی که هواپیما توقیف می‌شود، جان سرنشینان و ایمنی هواپیما نباید به خطر بیافتد».

توسل به زور، توسط حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق معاهده‌ای نیز، محدود شده است. در بند (۴) ماده (۲) منشور ملل متحد آمده است:

اعضای سازمان ملل متحد، در روابط بین‌المللی خود، از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی هر کشور یا هرگونه رفتاری که با اهداف ملل متحد مطابقت ندارد، خودداری خواهند نمود (دولت‌شاه، ۱۳۸۸: ۱۶).

مطابق اصل «حق توسل به زور»، توسل به زور یا تهدید به توسل به زور توسط کشورها، جزء در مقام دفاع مشروع ممنوع است. این اصل، ضمن ممنوع کردن مداخله در امور داخلی سایر کشورها، اصلی لازم برای محافظت از حق حاکمیت ملی هر کشوری است. اصلی که توسط همه ملل جهان، پذیرفته شده و پس از تدوین منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، مبانی تدوین و تصویب قوانین بین‌المللی بوده است؛ لذا وقتی اعمال زور توسط دولتی در چارچوب مرزهای ملی و بدون نقض حاکمیت ملی صورت می‌گیرد، بررسی ابعاد این اقدام، در چارچوب حقوق بشر و قوانین درگیری‌های مسلحانه قرار می‌گیرد.

۱-۲- نظام سازمان ملل متحد در خصوص عدم توسل به زور

عدم توسل به زور، در منشور سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است و سازمان ملل متحد در راستای تحقق اهداف منشور در زمینه منع توسل به زور، قطعنامه‌های متعددی چون محکوم کردن هرگونه تبلیغ جنگی، اصول حقوق بین‌الملل در زمینه روابط دوستانه و همکاری میان کشورها و اعلامیه تحکیم پایه‌های امنیت بین‌المللی را تصویب کرده است که در ادامه در مورد اقدامات سازمان ملل متحد در این خصوص، صحبت خواهیم نمود.

۱-۳- عدم توسل به زور در منشور ملل متحد

در منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی و عام توسل به زور مدنظر قرار گرفته است. همچنین قاعده منع توسل به زور در این منشور، هرگونه اقدام زورمدارانه در روابط بین‌المللی، نظیر جنگ، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، محاصره دریایی یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات را، در برمی‌گیرد. هرچند تمامی اعضای ملل متحد چه کوچک و چه بزرگ، با یکدیگر برابرند و در روابط خویش، باید از تهدید یا توسل به زور اجتناب ورزند، اما در منشور، دو مورد استثنا درج گردیده است که به دولت‌ها این امکان را می‌دهد، از زور در روابط بین‌المللی استفاده نمایند؛

۱) در اجرای حق دفاع از خود؛ در این راستا، در ماده (۵۱) منشور آمده است: در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت، اقدام‌های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را

به عمل آورد، هیچیک از مقررات این منشور، به حق ذاتی دفاع از خود، خواه بطور فردی و خواه دسته جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

۲) اقدامات شورای امنیت، براساس اختیارات واگذار شده در ماده (۲۴ و ۲۵)^۱ و فصل هفتم منشور ملل متحد، در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۸۶).

۴-۱- تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص عدم توسل به زور

مهمترین قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در راستای مساله منع توسل به زور و تحریم جنگ، عبارتند از:

- قطعنامه‌های مورخ ۱۹۴۷ و ۱۹۵۰، در زمینه محکوم نمودن هر نوع تبلیغات جنگی؛
- قطعنامه‌های مورخ ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰، در زمینه خودداری ملت‌ها از هرگونه تهدید یا توسل به زور برخلاف منشور و خودداری از هرگونه تهدید یا اقدامی که به استقلال ملت‌ها، لطمه می‌زند یا جنگ‌های داخلی را موجب گردد؛
- قطعنامه مورخ ۱۹۵۰، با عنوان «صلح از طریق عمل»؛
- اعلامیه مربوط به اصول حقوق بین‌الملل در زمینه روابط دوستانه و همکاری میان کشورها؛
- اعلامیه مورخ ۱۹۷۰، با عنوان «اعلامیه تحکیم پایه‌های امنیت بین‌المللی» (همان، ۴۸۷).

۱۱

۵-۱- نظام معاهدات بین‌المللی در خصوص عدم توسل به زور

برخی از معاهدات بین‌المللی و تصمیم‌ها و توافقی‌های میان کشورها، که به مساله عدم توسل به زور و تحریم جنگ پرداخته‌اند عبارتند از:

- پیمان تاسیس اتحادیه عرب، مورخ ۲۲ مارس ۱۹۴۵؛
- پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، مورخ ۴ آوریل ۱۹۴۹ (مواد ۱ و ۵)؛
- پیمان ورشو، مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۵ (ماده ۵)؛

^۱ ماده ۲۴-۱- به منظور تامین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت برعهده دارد از طرف آنها اقدام نماید.

۲- شورای امنیت در اجرای این وظایف برطبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند. اختیارات مخصوصی که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار گردیده در فصول ۶-۷-۸ و ۱۲ بیان شده است.

۳- شورای امنیت گزارش‌های سالانه و در صورت اقتضاء گزارش‌های مخصوص برای بررسی به مجمع عمومی تقدیم می‌دارد.

ماده ۲۵- اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این منشور قبول و اجرا نمایند.

- عهدنامه وین در مورد حقوق معاهدات، مورخ ۲۳ مه ۱۹۶۹ (ماده ۵۲) و اعلامیه‌های منضم به آن؛
 - منشور بوگوتا، مورخ ۱۹۴۸ (ماده ۲۰)؛
 - منشور بونوس آیرس، مورخ ۱۹۶۷ (ماده ۲۰)؛
 - پیمان بریان-کلوگ یا پیمان پاریس، که یک سند عام منع یا تحریم جنگ و مستقل از میثاق جامعه ملل است؛
 - پیمان ریو، که یک معاهده منطقه‌ای است و در آن جمعی از کشورهای آمریکایی متعهد شده‌اند در روابط خود، به زور متوسل نشوند (همان، ۴۸۷).
- و همچنین کنوانسیون مونترال نیز، به صراحت کشورها را از اعمال زور و انهدام هواپیماهای غیرنظامی در حال پرواز یا آسیب رساندن به چنین هواپیماهایی بنحویکه ایمنی آن را به خطر بیندازند، ممنوع کرده است.

۲- پرواز ۶۵۵ ایران ایر و موضع حقوقی آمریکا

پرواز مسافبری شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایرن ایر، با شناسه «IR655»، از تهران به مقصد دبی، در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ (۳ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی)، پس از توقف بین راهی در بندرعباس، به سمت دبی در حرکت بود که با شلیک دو موشک استاندارد از ناو یو.اس.اس وینسنس متعلق به نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا، در ارتفاع ۱۲ هزار پایی بر فراز خلیج فارس، سرنگون شد و تمامی ۲۹۶ سرنشین آن، که شامل ۴۶ مسافر غیرایرانی و ۶۶ کودک (زیر ۱۳ سال) بودند، جان باختند (Cook, 2007: 77).

"اقدام ناو جنگی دولت ایالات متحده آمریکا در حمله به هواپیمای مسافبری ایران، به لحاظ نقض اصول مندرج در کنوانسیون شیکاگو (آزادی پرواز هواپیماهای غیرنظامی و عدم توسل به زور علیه آنها)، اصول مقرر در کنوانسیون حقوق دریاها (عبور بی‌ضرر) و اصول مطروحه در کنوانسیون لاهه (اصل بیطرفی) و نیز تعهدات بین‌المللی آن کشور و مسئولیت بین‌المللی ناشی از کمیسون مسئولیت بین‌المللی دولت، باتوجه به انتساب عمل متخلفانه بین‌المللی مزبور به آن دولت و نقض تعهدات بین‌المللی آن کشور، مستوجب مسئولیت محتوم بین‌المللی آن کشور و لزوم پذیرش مسئولیت بین‌المللی خویش و جبران خسارات وارده به دولت و مردم ایران خواهد بود" (بختیاری، ۱۳۹۳) و بررسی اجمالی مراتب، گویای وضعیت تاسف‌بار نقض حقوق بین‌الملل و قواعد اساسی تضمین امنیت و سلامت هواپیمایی بین‌المللی کشوری و نیز نقض تعهدات بین‌المللی ایالات متحده آمریکا، در حمله به یک هواپیمای غیرنظامی و صرفاً مسافبری دولت ایران و کشته شدن تمامی ۲۹۰ سرنشین بی‌گناه آن می‌باشد.

موضوع حقوقی آمریکا پس از وقوع حمله به هواپیما، توسل این کشور به حق دفاع مشروع بعنوان یک حق ذاتی برای دولت‌ها برطبق اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و ماده (۵۱) منشور ملل متحد بود. آمریکا در آن زمان، فقط به خاطر امکان بهره‌گیری از ماده (۵۱) منشور سازمان ملل متحد، که حق دفاع مشروع را برای همه قانونی می‌داند موضوع پرواز اف-۱۴ بر فراز ناو، پرواز ۶۵۵ به سوی ناو و سایر موارد را مطرح کرده بود.

۳- ماده (۳) مکرر کنوانسیون شیکاگو در پرونده ۶۵۵

کنوانسیون شیکاگو چارچوب اساسی سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) و رژیم کلی ناوبری هوایی بین کشورهای عضو (شامل حقوق پرواز و اقدامات برای تسهیل ناوبری هوایی) را ایجاد کرده است. پروتکل ۱۹۸۴ کنوانسیون شیکاگو که بیان‌کننده ماده (۳) مکرر است، متضمن استفاده نکردن از تسلیحات علیه هواپیماهای غیرنظامی در پرواز است - که ایران نیز پروتکل مذکور را تصویب کرده - اعلام می‌کند که همه کشورها باید از توسل به عملیات نظامی علیه هواپیمای غیرنظامی در هنگام پرواز خودداری کنند. هدف کنوانسیون شیکاگو، ارتقای امنیت هوانوردی‌های غیرنظامی بین‌المللی است. ماده (۳) مکرر ممنوعیت ماده

(۴) کنوانسیون شیکاگو را تایید می‌کند که در خصوص استفاده نکردن از حمل‌ونقل غیرنظامی به هر منظوری ۱۳ مغایر با اهداف کنوانسیون می‌باشد. در قضیه پرواز ۶۵۵، هیچ توجیهی برای استفاده از زور بعنوان دفاع مشروع با اتکا بر ماده (۵۱) منشور ملل متحد وجود ندارد؛ اما در حدی که هواپیمای غیرنظامی به نوعی تهدید امنیتی را ایجاد می‌کند ماده (۳) مکرر می‌پذیرد که قوانین عادی دفاع مشروع اعمال می‌شود - مشروط بر ضرورت و تناسب که طبیعتاً با توجه به ماهیت غیرنظامی بودن هدف (هواپیمای در حال پرواز)، هیچ توجیه قانونی وجود ندارد (روحانی، ۱۳۹۹).

ماده ۲(۴) منشور ملل متحد نیز، کلیه اعضا را از تهدید به زور یا استعمال زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد، منع نموده است.

نیروهای نظامی آمریکا مستقر در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان، در زمان حادثه و قبل از آن عملاً تمامیت ارضی ایران را با استفاده از انواع ترفندها مورد تجاوز قرار داده و به انحای مختلف، کشتی‌ها و هواپیماهای ایران را، مورد تهدید قرار داد.

"حمله آمریکا به هواپیمای مسافری در حریم هوایی ایران و در مسیر هوایی بین‌المللی مشخص و اعلام شده، نقض قاعده حقوقی عدم توسل به زور و همچنین نقض آشکار تمامیت ارضی یک دولت عضو سازمان ملل می‌باشد؛ همینطور، مصداق کامل تجاوز مندرج در بند «ب» ماده (۳)، ضمیمه قطعنامه تعریف تجاوز، مورخ

۱۹۷۴، مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد که به استناد آن، کاربرد هر نوع سلاح، توسط یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر، محاصره بنادر یا سواحل یک دولت، توسط نیروهای مسلح دولتی دیگر را، از مصادیق تجاوز دانسته است و بالاخره بند «ت» ماده مزبور، مبین آشکار تجاوز آمریکا به ناوگان هوایی دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. هرچند مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۳۳۱۴، توجه شورای امنیت را به تعریف تجاوز جلب و به آن توصیه کرده است که در احراز تجاوز، تعریف مزبور را بنحو مقتضی راهنمای خود قرار دهد، اما عملاً شورای امنیت در قضیه مطروحه، با جو حاکم بر شورا از کنار قضیه گذشته و دولت ایران را به اجرای قطعنامه ۵۹۸ سوق داده است و نهایتاً حمایت کامل نسبت به ایمنی هواپیماهای بین‌المللی و به ویژه ممنوعیت مطلق توسل به زور که در ضمیمه دوم کنوانسیون شیکاگو مورد تأکید قرار گرفته و به صورت قاعده مسلم حقوق بین‌الملل درآمده است، از طرف شورای امنیت کاملاً نادیده گرفته شد.

عنصر تخصصی سازمان ملل متحد، ایکائو نیز از مسائل سیاسی به دور نمانده و به جای بررسی فنی و ارائه طریق به شورای امنیت، به ابراز تاسف و تسلیت به بازماندگان سانحه پرداخت.

به دلیل حاکمیت چنین اوضاعی بر سازمان ملل، آمریکا پس از سرنگونی هواپیما، اعلام نمود که در نظر ندارد هیچ تجدید نظری در دستورات جنگی موجود به عمل آورد و با تشکیل نیروهای تحت فرمان شورای امنیت، برای برقراری امنیت در خلیج فارس به کرات مخالفت کرد (بابکان، ۱۳۹۳). در سانحه هوایی انهدام هواپیمای مسافربری ایرانی، نقض تعهد بین‌المللی دولت ایالات متحده، از طریق نقض ماده (۳) مکرر کنوانسیون شیکاگو و نیز، عرف مسلم بین‌المللی، قابل احراز است.

۴- دفاع مشروع

دفاع مشروع یا دفاع قانونی، حقی است که حقوق کیفری، برای اشخاص در مورد دفاع از خود یا افراد دیگر (در صورت نیاز به کمک)، در هنگام حمله افراد دیگر، قائل شده است. دفاع مشروع در جایی پدید می‌آید که به جزء ارتکاب جرم، هیچ راه دیگری برای دفع خطر ممکن نباشد. در این صورت، مدافع نه تعقیب و مجازات می‌شود و نه ضامن خساراتی است که به بار می‌آورد. دفاع مشروع، اصلی پذیرفته در تمامی نظام‌های حقوقی است. هرچند در مورد منشا پیدایش این حق، اختلافات زیادی وجود دارد، ولی شرایط آن با اختلاف جزئی، در تمامی نظام‌های حقوقی، یکسان است (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۹۷-۲۰۵).

۴-۱- دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران

در قوانین ایران، افراد حق دفاع از جان، مال، عرض، ناموس و آزادی خود را، در هنگام تجاوز یا خطر حتمی قریب‌الوقوع، با ارتکاب رفتار دفع کننده خطر دارند؛ مشروط بر اینکه دفاع آنها، با خطر متناسب باشد و توسل بدون فوت وقت قوای دولتی، عملاً ناممکن باشد. همین شرایط، در مورد دفاع از افراد دیگر نیز، صادق است؛ به شرطی که خود آنها ناتوان از دفاع بوده یا نیاز به کمک داشته باشند (ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰). در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در مواد (۱۵۶)، (۱۵۷) و (۱۵۸)، به موضوع دفاع مشروع پرداخته شده است.

۴-۲- شرایط تحقق دفاع مشروع

نخستین شرط تحقق دفاع مشروع، این است که باید در برابر یک حمله فوری و جدی باشد، جان، مال و آبروی یک نفر را مورد لطمه قرار دهد و همچنین راه دیگری برای دفع این حمله، وجود نداشته باشد. ماده ۱۵۶ می‌گوید: هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری، در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع، با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

۱۵

۱) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد؛

۲) دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد؛

۳) خطر و تجاوز، به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری، صورت نگرفته باشد؛

۴) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت، عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر، موثر واقع نشود.

ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی به دفاع فرد از نفس، عرض و ناموس اشاره کرده است، نه شخص؛ به همین دلیل باید گفت که این نوع دفاع، تنها درباره شخص حقیقی ممکن است. همچنین موضوعی که می‌توان از آن دفاع کرد، نفس به معنای جان است. در خصوص عرض و ناموس نیز باید گفت که: مفهوم این دو واژه، تا حدود بسیاری معادل یکدیگر و به معنای حیثیت است. در خصوص معنای آزادی تن نیز باید گفت که: کسی نمی‌تواند دیگری را بازداشت کند، همچنین "تن خود یا دیگری" نیز، به این معناست که می‌توان از خود و نیز از دیگری در برابر تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع، دفاع کرد.

برای تحقق دفاع مشروع، باید تجاوز یا خطر وجود داشته باشد و نیز اینکه، خطر باید حتمی یا آن قدر نزدیک باشد که گویی در حال واقع شدن است. بنابراین اگر کسی دیگری را تهدید کند که در صورت انجام ندادن اقدامی خاص، او را به قتل می‌رساند، موضوع دفاع مشروع، قابل استناد نیست. یکی دیگر از مواردی که در تعریف دفاع مشروع باید به آن اشاره کرد، این است که دفاع مشروع، رفتاری است که طبق قانون، بطور عادی و معمول جرم است. مثلاً این رفتار ممکن است باعث ورود آسیب جسمانی به فردی شود، ولی اگر قانونگذار می‌گوید: (در صورت اجتماع شرایط زیر)، به این معناست که اگر تمام شرایطی که قانونگذار می‌گوید، فراهم باشد، این رفتار جرم نخواهد بود.

نخستین شرطی که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی جدید به آن اشاره شده، این است که؛ رفتار ارتكابی باید برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد یعنی کاری که در حال انجام آن برای دفع خطر هستیم، باید حتمی و قطعی بوده باشد و اینکه ضرورتاً باید صورت می‌گرفت؛ به این معنا که بدون انجام آن امکان دفع تجاوز وجود نداشت.

همچنین، دفاع باید مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد. این مورد، در قانون سابق وجود نداشت و قانونگذار در قانون مجازات جدید، آن را اضافه کرده است؛ زیرا تشخیص اینکه دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد، تا حدودی دشوار است. طبق بند (پ) ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، خطر و تجاوز باید به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری، صورت نگرفته باشد.

۱۶

۴-۳- علل موجهه ارتكاب جرم

علل موجهه یا عوامل توجیه کننده، به مواردی گفته می‌شود که با تحقق آنها، وصف مجرمانه جرم از بین می‌رود؛ به این معنا که عملی که بطور معمول جرم بوده است، در شرایطی خاص، دیگر در نظر مقنن عنوان جرم نخواهد داشت و به دلیل تلقی شدن بعنوان یک عمل موجه، مرتکب تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد. این امر مواردی مانند اکراه، اجبار، دفاع مشروع و امر امر قانونی را در بر می‌گیرد؛ که از جمله علل موجهه جرم محسوب می‌شوند؛ لهذا در برخی موارد، انجام عملی که در شرایط عادی جرم محسوب می‌شود، به دستور مقام صلاحیت‌دار، با احراز شرایطی، مشروع و موجه شناخته می‌شود. این شرایط شامل قانونی بودن امر امر صلاحیت‌دار، صدور دستور از ناحیه مقام صلاحیت‌دار و الزام مامور به اجرای دستور قانونی مقام صلاحیت‌دار است. در کنار موارد مذکور، باید دفاع مشروع را از دیگر مصادیق علل موجهه جرم برشمرد و گفت: هرگاه کسی که به ناحق مورد حمله قرار گرفته و برای دفع خطر مرتکب جرم شود، با وجود شرایطی، عمل وی مشروع و موجه تلقی شده و قابل مجازات نیست؛ در حقیقت تعرض مزبور باید دارای شرایطی باشد که عمل

انجام شده را نتوان جرم تلقی و مجازات کرد. در حمله به پرواز ۶۵۵ ایران ایر، عواملی که از نظر آمریکا علل موجهه به حساب می‌آمدند، عواملی چون همراهی هواپیمای جنگی اف-۱۴ با هواپیمای مسافربری و ادعای موقعیت در حال حمله هواپیمای مسافربری به رزمناو وینسنس بود.

۴-۴- دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

باتوجه به تعریف دفاع مشروع و نیز ماده (۵۱) منشور ملل متحد^۱، این نتیجه حاصل می‌شود که مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، همانند دفاع مشروع در حقوق داخلی بوده که در نبود فرصت برای توسل به قانون، به قربانی تجاوز حق دهد، تا به فوریت با توسل به زور به دفاع از خود و سرکوب تجاوز بپردازد. در حقوق داخلی، دفاع مشروع استثنایی بر قاعده است، در حالیکه در حقوق بین‌الملل به دلیل فقدان یک قدرت فراملی و یک نیروی اجرایی مافوق دولتی، دفاع مشروع یک قاعده است، اما قاعده‌ای که خود استثنایی بر قاعده منع توسل به زور و تحریم جنگ است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۳۳).

۴-۵- دفاع مشروع در پرونده ۶۵۵

دیدگاه آمریکایی‌ها درباره مفهوم حقوق بین‌الملل دفاع از خود، بدون شک، تحت تاثیر قدرتمند حقوق طبیعی^{۱۷} قرار دارد. این دیدگاه از یک "حق ذاتی"^۲، بیان می‌کند که: حق حفظ خود، بسیار مهم است (Linnan, 1991: 337).

پس از سقوط این هواپیما، دولت آمریکا عمل ناخدای ناو جنگی وینسنس را دفاع مشروع می‌نامد؛ در حالیکه هیچ اعلان جنگی بین دو کشور وجود نداشت و ایران در حال جنگ با دولت ایالات متحده آمریکا نبود.

^۱ ماده ۵۱- در صورت وقوع جمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت برطبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تاثیری نخواهد داشت.

^۲ حقوق طبیعی (ذاتی) و قانونی دو نوع حق است؛ حقوق طبیعی آن‌هایی است که به قوانین یا آداب و رسوم خاصی از فرهنگ یا حکومت وابسته نیستند و بنابراین جهانی و غیرقابل انکار هستند. (با قوانین انسانی لغو یا محدود نمی‌شوند) حقوق قانونی آن‌هایی هستند که به وسیله یک سیستم حقوقی به فرد اعطا شده (که می‌توانند اصلاح یا لغو شده و توسط قوانین انسانی محدود شوند). بدون آنکه مشروط به توافق دیگران، وجود نهادهای سیاسی و قضایی یا قوانین و سنت‌ها باشد؛ بنابراین حقوق طبیعی به هر انسان در هر زمان و هر مکانی تعلق می‌گیرد.

ناگفته نماند که دیوان بین‌المللی دادگستری، به مثابه والاترین و معتبرترین مرجع قضایی که دارای نقش موثر در برقراری صلح می‌باشد، به صراحت وقوع حمله‌ای مسلحانه از سوی یک دولت را شرط اساسی توسل به حق قانونی توسل به زور در مقام دفاع مشروع برشمرده است.

مقامات آمریکایی نیز، برای توجیه این جنایت نابخشودنی، دلایل ضد و نقیضی عنوان کردند و کوشیدند این اقدام خصمانه را، یک اشتباه قلمداد کنند، اما باتوجه به مجهز بودن کشتی جنگی وینسنس، به پیشرفته‌ترین سیستم‌های راداری و رایانه‌ای و همچنین مشخص بودن نوع هواپیمای در حال پرواز، مسلم شد که احتمال اشتباه وجود نداشته و این اقدام، کاملاً خصمانه بوده است.

ضمناً طبق شرایط تحقق دفاع مشروع که خطر یا تجاوز، باید حتمی باشد؛ اما در قضیه ۶۵۵، وجود تجاوز یا خطر از سوی هواپیمای در حال پرواز بر فراز ناو جنگی وینسنس، حتمی نبوده و تنها براساس احتمال و حدس و گمان فرمانده و خدمه رزم‌ناو، دستور شلیک صادر شده است و همچنین، دفاع مشروع در جایی پدید می‌آید که به جزء ارتکاب جرم، هیچ راه دیگری برای دفع خطر ممکن نباشد و اقدام به شلیک در صورتی که رزم ناو می‌توانست به ارسال هشدار بسنده کند، ضرورت و تناسب نداشته است.

جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۴ تیر ۱۳۶۷، طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت، خواستار تشکیل جلسه فوری شورا، برای رسیدگی به موضوع شد. ۲۵ تیر ۱۳۶۷، مطابق با ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی، شورا تشکیل جلسه داد. از سوی جمهوری اسلامی ایران، ولایتی؛ وزیر امور خارجه وقت ایران و از جانب آمریکا، جرج بوش؛ معاون وقت رئیس جمهوری، در جلسه حضور داشتند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در فرازی از سخنان خود عنوان کرد: حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، تنها منادی مرگ و بی‌قانونی و شرارت بوده و جزء ناامنی چیزی به ارمغان نیاورده است و عمل جنایت‌کارانه آمریکا در حمله به هواپیمای کشوری، به هیچ وجه در قالب دفاع مشروع قابل توجیه نیست.

ادعاهای مزبور، که از سوی فرماندهان ارشد نظامی و مقامات عالی رتبه سیاسی آمریکا، برای سرپوش نهادن بر ماهیت اصلی اقدامی که آشکارا ناقض اصول اولیه حقوق بین‌الملل به شمار می‌رفت، مطرح می‌شد و گذشت زمان به تدریج، بطلان هر یک از ادعاهای مذکور را ثابت نمود؛ در واقع، دولت آمریکا تمامی این ادعاهای واهی را به این دلیل مطرح می‌کرد که محملی برای توسل این کشور به حق دفاع مشروع، بعنوان یک حق ذاتی دولت‌ها برطبق اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و ماده ۵۱ منشور ملل متحد باشد. این در حالی است که چنین تفسیر و برداشتی از حق دفاع مشروع، نه تنها با عقل سلیم و منطق حقوقی سازگاری ندارد، بلکه با روح منشور ملل متحد و شرایط توصیف شده در ماده ۵۱ منشور نیز، همخوانی ندارد. حقوق بین‌الملل به موجب ماده (۵۱) منشور سازمان ملل، به یک کشور اجازه داد هنگام وقوع حمله از خود در برابر حمله

مسلحانه‌ای که علیه خاک و مردم‌اش به وقوع پیوسته، دفاع کند. این ممنوعیت تلویحا از حمله پیش‌دستانه یا پیش‌گیرانه به متجاوز به استناد مدارک از قبل گرد آمده پیشگیری می‌کند. هیات عالی رتبه سازمان ملل متحد درخصوص تهدید، چالش و تغییر در دسامبر سال ۲۰۰۴ گزارشی را منتشر کرد که تصدیق می‌کرد یک کشور مورد تهدید واقع شده مادامی که حمله اعلام شده قریب‌الوقوع باشد، هیچ راه دیگری برای پس زدن آن وجود نداشته باشد و اقدام به عمل آمده برای پاسخ به تهدید، متناسب باشد، می‌تواند دست به اقدام مقتضی بزند. براساس آن گزارش حق دفاع مشروع، به فراتر از یک حمله واقعی یعنی به حمله قریب‌الوقوع تعمیم می‌یابد، مشروط به آنکه ادله موثق راجع به چنین حمله‌ای موجود باشد و کشور تهدید شده هیچ راه چاره علنا جایگزینی نداشته باشد (آبیراتنه، ۲۰۱۰: ۵۲).

"باتوجه به اینکه پرواز هواپیمای ۶۵۵ ایران ایر، بر فراز آب‌های سرزمینی ایران و قرار داشتن در قلمروی حاکمیت ایران، این موضوع نمی‌توانسته خطری به تمامیت ارضی یا امنیت کشوری دیگر تلقی شود. به علاوه، ناو جنگی وینسنس، در زمان حمله به هواپیمای مزبور نیز، در آب‌های سرزمینی ایران قرار داشته است. این مساله، ۴ سال بعد از آن ماجرا، توسط نیویورک تایمز فاش شد که ناو وینسنس در آب‌های سرزمینی ایران بوده، نه در آب‌های بین‌المللی" (ضیایی، ۱۳۸۹). با فرض پذیرش ادعای دولت آمریکا نظر به حضور مسئولیت-زای ناو آمریکایی در حریم آب‌های دولت ایران، نزدیک شدن یک هواپیما به آن، نمی‌تواند مصداق نقض تمامیت ارضی کشور صاحب پرچم ناو یا تهدید علیه آن و توجیه دفاع مشروع باشد و ادعای دولت آمریکا، مبنی بر دفاع مشروع نسبت به هواپیمای مزبور برای فرار از مسئولیت بین‌المللی خود، فاقد هرگونه وجهت حقوقی و بین‌المللی است و هواپیمای سرنگون شده، نه بعنوان یک هواپیمای نظامی یا جنگنده موجد مخاطرات مورد ادعای دولت آمریکا، بلکه یک هواپیمای صرفاً، مسافربری با استانداردهای پروازی شناخته شده، در نظام پروازی داخلی و بین‌المللی بوده و توجیه‌کننده ادعای بلا وجه کشور آمریکا نخواهد بود.

علاوه بر این، برنامه پرواز ایرباس، همچون دیگر پروازهای هواپیماهای کشوری، در اختیار کشتی‌های حاضر در خلیج فارس قرار داده شده بود؛ این در حالی است که دفاع مشروع فقط در برابر نیروی نظامی دشمن قابل تصور است، در حالیکه آمریکا از غیرنظامی بودن این هواپیما مطلع بوده است، "چنانچه وزارت دفاع آمریکا، در پاراگراف چهارم از صفحه E-8 گزارش خود، اظهار می‌دارد: "پرواز ۶۵۵ ایران ایر، از بندرعباس شروع شد و به پرواز خود در مسیری عادی ادامه داد تا اینکه هفت دقیقه پس از پرواز، توسط یک موشک پرتاب شده از سوی ناو وینسنس مورد اصابت قرار گرفت". رئیس‌جمهور آمریکا (ریگان)، قبلاً خود در برابر واقعه‌ای مشابه به همین، در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳)، که موجب سرنگونی یک هواپیمای کره جنوبی شد، اظهار

نمود؛ هیچ چیزی نمی‌تواند توجیه‌کننده سرنگونی یک هواپیمای غیرمسلح باشد؛ این موضع که بیانگر نگرش ایالات متحده آمریکا نسبت به هواپیماهای غیرنظامی است، در چارچوب اصل استاپل (منع انکار پس از اقرار) نیز در این قضیه علیه آمریکا قابل طرح است" (غیرتمند حقیقی، ۱۳۸۱). بنابراین، ادعاهای آمریکا، مبنی بر «دفاع مشروع»، نمی‌تواند در این مورد مصداق داشته باشد و درخصوص «اشتباه»، حتی در صورت اثبات، نمی‌تواند رافع مسئولیت بین‌المللی آمریکا باشد.

۵- توسل به زور؛ نقض قواعد حقوقی بین‌المللی در حادثه ۶۵۵

حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری در حریم هوایی ایران و در مسیر هوایی بین‌المللی مشخص و اعلام شده، نقض قاعده حقوقی عدم توسل به زور و نقض آشکار تمامیت ارضی یک دولت عضو سازمان ملل متحد می‌باشد و ادعای دولت آمریکا، مبنی بر دفاع مشروع نسبت به هواپیمای مزبور برای فرار از مسئولیت بین‌المللی خود، فاقد هرگونه وجهت حقوقی و بین‌المللی است. هواپیمای سرنگون شده، نه بعنوان یک هواپیمای نظامی یا جنگنده موجب مخاطرات مورد ادعای دولت آمریکا، بلکه یک هواپیمای صرفاً مسافربری با استانداردهای پروازی شناخته شده در نظام پروازی داخلی و بین‌المللی بوده است. در ذیل، به بررسی این ادعا و تخلف بین‌المللی آمریکا در حادثه پرواز ۶۵۵ می‌پردازیم.

۵-۱- نقض کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱

کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری ۱۹۷۱ میلادی موسوم به کنوانسیون مونترال مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده بوده که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال منعقد گردیده و ایران نیز در سال ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ میلادی) بدان ملحق شده است. در مقدمه این کنوانسیون بیان شده است که: «اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری، امنیت افراد و اموال را به مخاطره انداخته و بهره‌برداری سرویس‌های هوایی را شدیداً مختل و اعتماد مردم جهان را نسبت به امنیت هواپیمایی کشوری متزلزل می‌سازد».

بند (۱) ماده (۱) این کنوانسیون بیان می‌دارد: «هرکس برخلاف قانون و عامداً مرتکب اعمال زیر گردد مجرم شناخته می‌شود: علیه سرنشین هواپیمای در حال پرواز به عمل عنف‌آمیزی مبادرت کند که طبیعت آن عمل امنیت هواپیما را به مخاطره افکند.» بنابراین به طرز آشکاری، حمله آمریکا به هواپیمای در حال پرواز، نقض کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ به حساب می‌آید.

۵-۲- نقض حقوق بشر مربوط به آزادی رفت و آمد افراد

علاوه بر حقوق خاص مربوط به امنیت پروازها که از سوی ایالات متحده آمریکا نقض شده، در ابعادی وسیع تر در حقوق بین الملل، می توان ارباب افراد و ممانعت و مزاحمت در آزادی رفت و آمد آنان را نقض صریح حقوق بشر دانست. حق آزادی تردد افراد در اسناد مختلف حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی (بند ب ماده ۱۳)؛ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی (بند ۲ ماده ۱۲)؛ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۲۲)؛ پروتکل (۴) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۲) و ... انعکاس یافته است که حاکی از اهمیت این حق بنیادین بشری است. هیچ فرد یا دولتی حق ندارد با انجام اقداماتی، محدودیتی بدون دلیل برای حق آزادی تردد افراد ایجاد نماید. بنابراین حمله موشکی به هواپیمای مسافربری ۶۵۵ ایران ایر توسط ناو آمریکایی، نقض آشکار حقوق اولیه و بنیادین مسافران این پرواز بوده است.

۵-۳- نقض ماده (۳) مکرر کنوانسیون هواپیمایی کشوری

کنوانسیون شیکاگو مصوب ۷ دسامبر ۱۹۴۴ در رابطه با امکان اقدام نظامی علیه هواپیماهای غیرنظامی می باشد که رویکرد ایکائو در حوزه امنیت هوانوردی را تشکیل می دهد. ماده (۳) مکرر این کنوانسیون با هدف ممنوعیت هرگونه اقدام مسلح علیه هواپیمای کشوری وضع شده است و بکارگیری سلاح و اعمال زور علیه هواپیمای غیرنظامی براساس این ماده و مقدمه ماده (۴۴) منع شده است.

۵-۴- نقض حاکمیت کشور ایران

همچنین حمله به هواپیمای مسافربری می تواند مصداقی از نقض صلح و امنیت بین المللی و توسل به زور (ماده ۱ و ۲ منشور سازمان ملل متحد) و نقض حاکمیت کشور ایران (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد) تلقی شود. باتوجه به گزارشات گروه تحقیقی ایکائو، هواپیمای مسافربری در حال انهدام، در قلمرو حاکمیت ایران قرار داشته و عمل آمریکا در واقع تجاوز به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران محسوب و نقض فاحش تعهدات بین المللی مندرج در منشور ملل متحد در خصوص احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها است.

نتیجه گیری

کشورها در سال های اخیر، ضمن توسل به زور، همانطور که به موضع حقوقی آمریکا پس از حادثه ۶۵۵ اشاره شد، درصدد مشروع جلوه دادن اقدامات خود هستند. نادیده گرفتن اصل عدم توسل به زور که در منابع بین المللی از جمله کنوانسیون هواپیمایی کشوری، توکیو و مونترال و در قوانین داخلی چون قانون اخلاص

کنندگان در امنیت پرواز هواپیما مورد اشاره قرار گرفته است، موجب نقض امنیت هواپیمایی کشوری و در بعضی موارد همچون پرواز ۶۵۵ ایران ایر، می‌تواند زمینه بروز سوانح هوایی و ورود خسارات هنگفت به سازمان هواپیمایی کشوری را فراهم ساخته و نمونه بارزی از تهدید حق حیات غیرنظامیان محسوب شود. همچنین نادیده گرفتن اصل آزادی و امنیت پرواز هواپیماهای غیرنظامی مصرح در کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ میلادی، نقض مقررات و توصیه‌های مختلف ایکائو راجع به امنیت پرواز، نقض حق آزادی تردد و رفت و آمد شهروندان مندرج در اسناد بنیادین حقوق بشر می‌باشد.

در مورد دفاع مشروع نیز، اگر بین دو کشور اعلان جنگی و حمله مسلحانه‌ای در کار نباشد، توسل به زور در قالب دفاع مشروع نمی‌گنجد، زیرا دیوان بین‌المللی دادگستری، به صراحت وقوع حمله‌ای مسلحانه از سوی یک دولت را شرط اساسی توسل به حق قانونی توسل به زور در مقام دفاع مشروع برشمرده است. در این مورد، در پرونده پرواز ۶۵۵ ایران ایر، هیچ اعلان جنگی بین دو کشور وجود نداشته و باتوجه به قرار داشتن پرواز هواپیمای ۶۵۵ ایران ایر بر فراز آب‌های سرزمینی و در قلمروی حاکمیت ایران، این موضوع نمی‌توانسته خطری به تمامیت ارضی یا امنیت کشوری دیگر تلقی شود.

طبق اسناد داخلی و بین‌المللی، حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری در حریم هوایی ایران و در مسیر هوایی بین‌المللی مشخص و اعلام شده، نقض قاعده حقوقی عدم توسل به زور، نقض آشکار تمامیت ارضی یک دولت عضو سازمان ملل متحد و مصداق کامل تجاوز به ناوگان هوایی دولت ایران می‌باشد.

۲۲

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آبیترانه، رووانتیسسا و ایندرانات، رامیا (۲۰۱۰)، **حقوق امنیت هوایی**، ترجمه: پیمان نمایان، تهران: نشر میزان.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: نشر میزان.
- ۳- بابکان، احسان (۱۳۹۳)، «پرواز ۶۵۵؛ مبدا بندرعباس مقصد بهشت»، www.yjc.ir/4893540
- ۴- بختیاری، محسن (۱۳۹۳)، «بعاد حقوقی حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس»، defapress.ir
- ۵- جعفری، اصغر (۱۳۹۶)، «دفاع مشروع در منظر امام خمینی رحمه‌الله و حقوق بین‌الملل»، **پرتال امام خمینی**، ش ۱۶۰۰۴۴.
- ۶- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۲)، «بازخوانی حمله آمریکا به پرواز ۶۵۵»، www.tasnimnews.com
- ۷- دولت‌شاه، حجت (۱۳۸۸)، **منشور سازمان ملل متحد**، تهران: انتشارات مجد.
- ۸- روحانی، کارن (۱۳۹۹)، «درخواست خسارت مادی و معنوی از آمریکا»، www.magiran.com

- ۹- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶)، **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۰- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)، **حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۱- ضیایی، یاسر (۱۳۸۹)، «تخلفات حقوقی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس»، مرکز مطالعات خلیج فارس، persiangulfstudies.com
- ۱۲- غیرتمند حقیقی، رضا (۱۳۸۰)، «مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در خصوص انهدام هواپیمای مسافربری ایرانی»، rezagheiratmand.persianblog.ir
- ۱۳- گروه علمی پژوهشی حقوق قضایی پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۹)، تروریسم هوایی، CSI.IR

لاتین:

- 14- Cook, Nancy (2007). "Stories of Modern Technology Failures and Cognitive Engineering Successes", CRC Press.
- 15- Linnan, David (1991). Iran Air Flight 655 and Beyond: Free Passage, Mistaken Self-Defense, and State Responsibility, The Yale Journal of International Law, Volume 16.
- 16- Lomes, Gaurav (2020). Legal Dimensions of Use of Force Against Civilian Aircraft, Available at SSRN